

Iran's National Security from the Perspective of Political Elites: Challenges, Strengths, and Strategies*



Mohammad Sotoudeh Arani¹

Seyed Hamidreza Moosavi Monazah ²

1. Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Baqr al-Olum University, Qom, Iran (Corresponding Author)
Email: m.sotode43@gmail.com

2. PhD Candidate, Department of Political Science, Mofid University, Qom, Iran
Email: hamidrezamoosavi71@gmail.com

Abstract

National security, as a prerequisite for the survival and advancement of any country, plays a fundamental role in preserving values, identity, economic development, and enhancing public trust. Nevertheless, the lack of relative consensus on the definition of national security and the mechanisms for its realization can lead to growing challenges in the path of national development and progress. This article examines how the concept of national security, the challenges it faces, and the strategies for addressing them are understood and explained from the perspective of the political elites of the Islamic Republic of Iran. The main objective of this study is to answer the fundamental question: How is the concept of national security, its major challenges, existing strengths, and strategies for its enhancement understood and interpreted by three distinct groups of Iran's political elites (executive, academic, and seminary)? To achieve

* Sotoudeh Arani, M.; Moosavi Monazah, S. H. (2024). Iran's National Security from the Perspective of Political Elites: Challenges, Strengths, and Strategies. *Journal of Political Science*, 27(107), pp. 161-193.
<https://doi.org/10.22081/psq.2025.70805.2942>

□ **Publisher:** Baqr al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2024/07/17 • **Revised:** 2024/08/10 • **Accepted:** 2024/09/01 • **Published online:** 2024/09/23

© The Authors



this aim, a qualitative research method—specifically, thematic analysis—was employed. In-depth semi-structured interviews were conducted with selected elites from each group, and the content of these interviews was meticulously analyzed. The findings reveal that the elites studied hold an integrated view of national security, encompassing both objective and subjective dimensions. However, objective factors (such as military and economic threats) received considerably more emphasis in the interviews compared to subjective factors (such as values and identity). Moreover, the majority of interviewees adopted an expanded view of security, asserting that national security goes beyond the preservation of borders and military defense to include economic, social, cultural, and environmental dimensions. Theoretically, the dominant perspective among the political elites combines elements of the realist school (emphasizing power and national interests), constructivism (emphasizing the role of values and identity), and the Copenhagen School (emphasizing the broadened concept of security). Additionally, the study shows that the political elites identify three main priorities regarding national security: The absence of a coherent and effective doctrine on national security to guide policymaking and action; the country's unparalleled human capital as its greatest strength for enhancing national security; a focus on political and economic reforms as the primary strategy for addressing security challenges, rather than relying solely on military and security approaches. This study demonstrates that the political elites of the Islamic Republic of Iran view national security as a complex and multidimensional concept requiring a comprehensive and balanced approach. At the same time, they emphasize the importance of political-economic reforms, the utilization of human capital, and the formulation of a coherent national security doctrine. These findings can assist policymakers and decision-makers in developing and implementing more effective and efficient national security policies.

Keywords

National security, geopolitics, human capital, political elites, national interests, Iran.



امنیت ملی ایران از منظر نخبگان سیاسی: چالش‌ها، قوت‌ها و راهکارها^۱

محمد ستوده آرانی^۱ سید حمیدرضا موسوی منزه^۲

۱. دانشیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

m.sotode43@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم، ایران.

hamidrezamosavi71@gmail.com



چکیده

امنیت ملی به عنوان شرط بقا و پیشرفت هر کشوری، در حفظ ارزش‌ها، هویت، توسعه اقتصادی و ارتقای اعتماد عمومی نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ با این حال نبود اجماع نسبی در تعریف و درک سازوکارهای تحقق امنیت ملی، می‌تواند به چالش‌های فزاینده‌ای در مسیر توسعه و پیشرفت ملی منجر شود. در این مقاله به این موضوع پرداخته‌ایم که چگونه مفهوم امنیت ملی، چالش‌های پیش رو و راهکارهای مقابله با آنها از منظر نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبیین و درک می‌شود. هدف اصلی پژوهش، پاسخ به این پرسش بنیادین است که مفهوم امنیت ملی، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آن، نقاط قوت موجود و راهکارهای تقویت آن، از منظر سه گروه متمایز از نخبگان سیاسی ایران (اجرایی، دانشگاهی و حوزوی) چگونه فهم و تفسیر می‌شود؟ برای دستیابی به هدف، از روش تحقیق کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. بدین منظور، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته‌ای با نخبگان برگزیده از هر سه گروه انجام شد و محتوای این مصاحبه‌ها به دقت تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که نخبگان مورد مطالعه، دارای نگرشی تلفیقی به امنیت ملی هستند که ترکیبی از

* **استناد به این مقاله:** ستوده آرانی، محمد؛ موسوی منزه، سید حمیدرضا. (۱۴۰۳). امنیت ملی ایران از منظر نخبگان

سیاسی: چالش‌ها، قوت‌ها و راهکارها. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۱۶۱-۱۹۳.

<https://doi.org/10.22081/psq.2025.70805.2942>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲



ابعاد عینی و ذهنی را در بر می‌گیرد. با وجود این وزن مقوله‌های عینی (مانند تهدیدهای نظامی و اقتصادی) در مصاحبه‌ها به طور قابل توجهی بیش از وزن مقوله‌های ذهنی (مانند ارزش‌ها و هویت) بوده است؛ همچنین اکثریت مصاحبه‌شوندگان ابعاد امنیت را موسع در نظر می‌گیرند و معتقدند امنیت ملی تنها به حفظ مرزها و مقابله با تهدیدهای نظامی محدود نمی‌شود؛ بلکه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را نیز در بر می‌گیرد. از منظر نظری، رویکرد حاکم بر نگرش نخبگان سیاسی، ترکیبی از مکتب‌های رئالیستی (با تأکید بر قدرت و منافع ملی)، سازه‌انگارانه (با تأکید بر نقش ارزش‌ها و هویت) و کپنهاگی (با تأکید بر ابعاد موسع امنیت) است. افزون بر این پژوهش نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی مورد مطالعه، سه اولویت اصلی را در رابطه با امنیت ملی در نظر دارند: نبود یک دکترین یا نظریه منسجم و کارآمد در زمینه امنیت ملی که بتواند به عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاری و عمل در این حوزه عمل کند؛ سرمایه‌انسانی بی‌بدیل کشور به عنوان مهم‌ترین نقطه قوت که می‌تواند در جهت تقویت امنیت ملی مورد استفاده قرار گیرد؛ و تمرکز بر اصلاحات سیاسی-اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین راهکار برای مقابله با چالش‌های امنیتی، به جای تکیه صرف بر رویکردهای نظامی و امنیتی. این پژوهش نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی را به عنوان یک مفهوم چندبعدی و پیچیده درک می‌کنند که نیازمند رویکردی جامع و متوازن است. در عین حال آنها بر اهمیت اصلاحات سیاسی-اقتصادی، استفاده از سرمایه‌انسانی کشور و تدوین یک دکترین منسجم برای امنیت ملی تأکید دارند. این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در جهت تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثرتر و کارآمدتر در زمینه امنیت ملی کمک رساند.

کلیدواژه‌ها

امنیت ملی، ژئوپلیتیک، سرمایه‌انسانی، نخبگان سیاسی، منافع ملی، ایران.

مقدمه

مسئله امنیت و نحوه تأمین آن در کشورها و نظام بین‌الملل بیش از یک قرن است که به جد در علم روابط بین‌الملل دنبال می‌شود؛ به‌ویژه پس از درک تجربه‌های تلخ جنگ‌های جهانی اول و دوم و اثبات این نکته که تضاد و تعارض منافع با دیگر بازیگران و ضعف داخلی دولت‌ها می‌تواند چه معضلات امنیتی و بحران‌های شدیدی در عرصه بین‌الملل ایجاد کند. تاریخ صدساله اخیر ایران نشان می‌دهد که بارها از ضعف امنیت در تمام حوزه‌ها دستخوش ناامنی شده است و به‌رغم میل باطنی در هر دو جنگ جهانی اول و دوم و نیز جنگ تحمیلی هشت‌ساله، متحمل درگیری نظامی شده است. حکومت‌های ایران پیش از انقلاب از آن جهت که در تأمین امنیت مردم ناکام بودند، به لحاظ مشروعیت پایه‌های آنها سست و متزلزل گردیده بود و همین امر سبب مداخله قدرت‌های بزرگ و سرنگونی آنها گردید؛ برای مثال در حوادث مشروطیت و یا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، دولت‌های ایران چنین وضعی داشتند. به نظر می‌رسد حلقه مفقوده تمام این رخدادها در صدساله اخیر، بی‌توجهی به مسئله امنیت ملی به صورت علمی و اثربخش از سوی نخبگان سیاسی کشور بوده است. از آنجا که نخبگان سیاسی در هر کشوری نقش مهم و انکارناپذیری را ایفا می‌کنند، هدف این مقاله آن است که از طریق مصاحبه با سه‌گونه از نخبگان سیاسی کشور، درک و نگرش آنان درباره مفهوم امنیت، چالش‌ها و راهکارهای امنیتی در جمهوری اسلامی دریافت شود. در این مقاله در پاسخ به این پرسش اصلی که مفهوم امنیت ملی، چالش‌ها، نقاط قوت و راهکارها در انگاره ذهنی سه‌گونه از نخبگان سیاسی کشور چیست، به روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین فراگیر و اصلی استخراج می‌شود و پس از تحلیل نرم‌افزاری و انسانی به سؤال اصلی پاسخ داده می‌شود.

در پیشینه پژوهش‌ها درباره امنیت ملی، منابع متعددی وجود دارد؛ اما در هیچ‌یک از آنها کشف انگاره‌های ذهنی نخبگان سیاسی بررسی نشده است؛ برای مثال صالح‌نیا و بختیاری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری

اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) «کوشیده‌اند با ترکیب روش‌های کمی و کیفی به شفاف‌سازی و اولیت‌بندی تهدیدهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران پردازند. حسین‌زاده، بیات و نوابخش (۱۳۹۹) در مقاله علمی خود «تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» را بررسی کرده‌اند. رحمانی، خانی و اسکندری (۱۳۹۹) نیز در کتاب نخبگان امنیت ملی، به سیاست‌گذاری و راهبردها پرداخته‌اند. موحدی و عرف‌جمال (۱۳۹۲) نیز در مقاله «احساس امنیت سیاسی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در میان نخبگان سیاسی کشور» به مطالعه و تبیین ابعاد روان‌شناختی امنیت پرداخته‌اند.

در این منابع مقوله امنیت ملی و تهدیدهای آن، احساس امنیت سیاسی نخبگان و ارتقای امنیت ملی بررسی شده‌اند؛ ولی در این پژوهش‌ها واکاوی مفهوم امنیت ملی، چالش‌ها و راهکارهای تأمین امنیت ملی در نگرش نخبگان سیاسی کشور به روش مصاحبه‌ای انجام نشده است و این پژوهش به لحاظ عنوان، هدف و یافته‌ها دارای نوآوری است و به فهم عمیق‌تر موضوع کمک می‌رساند.

۱. روش و چارچوب نظری

در این پژوهش، با بهره‌مندی از روش تحلیل مضمون (تم)، داده‌های تحقیق در مصاحبه‌هایی با نخبگان سیاسی، کدگذاری می‌گردد و پس از شناسایی مقوله‌های زیربنایی در متن مصاحبه، با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو د آ ۲۰۲۴، داده‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند. به اعتقاد براون کلارک «مضمون بیانگر اطلاعات مهمی در مورد داده‌ها و پرسش‌های پژوهشی است و تا حدی معنا و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد» (Braun & Clarke, 2006, p. 75). مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و دست‌کم به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد «تحلیل مضمون، فرایندی برای رمزگذاری اطلاعات کیفی است که می‌تواند به عنوان پلی بین زبان تحقیق کیفی و زبان تحقیق کمی در نظر گرفته شود» (Boyatzis, 1998, p. 1).

در چهارچوب نظری نیز از میان مکتب‌های مطرح در عرصه مطالعات امنیتی می‌توان به واقع‌گرایی، لیبرالیسم، سازه‌نگاری و مکتب کپنهاگ اشاره کرد. در میان این مکتب‌ها آن رویکردی که به نظر می‌رسد در عرصه امنیت ملی کاربردی بیشتری دارد و در این مقاله از آن بهره‌گیری می‌شود، نظریه سازه‌نگاری و رویکرد مکتب کپنهاگ است که به دلیل رویکرد موسّع آن، نسبت به دیگر مکتب‌ها از کارآمدی بیشتری برخوردار است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۵). امنیت مضیق به امنیت نظامی معطوف است؛ اما امنیت موسّع دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز می‌باشد (بوزان، ۱۳۷۸، صص. ۱۴۱-۱۵۹). از طرفی متفکران مکتب کپنهاگ معتقدند سرمشق امنیت برای همه ملت‌ها یکسان نیست و هر منطقه سرنوشتی منحصر به خود دارد (نصری قدیر، ۱۳۸۱، ص. ۴۷).

در این پژوهش ضمن توجه به سطوح مختلف امنیت ملی از ادبیات مفهومی، نظریه سازه‌نگاری به دلیل تأکید بر فرهنگ، ارزش‌ها و ذهنیت بهره‌گیری شده است. سازه‌نگاری با تأکید بر کلیدواژه‌هایی چون بر ساخته‌بودن، هنجارها، بین‌الذهانی بودن، نوع تفکر و ترکیب ذهن و عین (Burchill, 2005, p. 194-201) ادبیات نظری مؤثری را برای تحلیل یافته‌های این پژوهش فراهم می‌سازد.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. مضامین و گزاره‌های به‌دست‌آمده از مفهوم امنیت ملی از منظر نخبگان سیاسی مورد مصاحبه
داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان مضامین زیر را شامل می‌شود: امنیت ملی، تحوّل جهانی، امنیت، نگرش جامع به امنیت، امنیت پایدار، انسجام ملی و بین‌المللی، تبار تاریخی، تأثیرپذیرفته از سیاست خارجی، تضمین توسعه و بقا، حفظ امنیت داخلی و خارجی، قدرت نرم و سخت، محبوبیت و بقای حکومت‌ها، منافع ملی، موقعیت جغرافیایی و نظام ارزشی. جالب اینکه بیشترین تأکید افراد مصاحبه‌شونده بر این نکته متمرکز بود که فهم امنیت ملی در گرو شناسایی دقیق منافع ملی است؛ همچنین می‌توان ادعا کرد که مصاحبه‌شوندگان به‌رغم تکرار دیدگاه‌ها، درباره ماهیت امنیت ملی،

به تقریب در سه مسئله هم نظر بودند: اول، لزوم شناسایی و درک دقیق منافع ملی؛ دوم، باور به این مسئله که امنیت ملی در برگیرنده ابعاد ارزشی و مادی به صورت توأمان است؛ و سوم، تأکید بر مرتبط بودن سطح امنیت ملی با آنچه در داخل و خارج از مرزها به صورت توأمان می‌گذرد.

جدول مضامین زیر درباره پرسش اول مصاحبه درباره ماهیت امنیت ملی است که با بهره‌گیری از نرم‌افزار مکس کیودا از متون مصاحبه‌ها شناسایی و استخراج گردیده است:

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن
امنیت ملی و انگاره‌های ذهنی نخبگان	۳ ۳	امنیت ملی	امنیت ملی به معنای حفاظت از تمامیت ارضی، نهادها و مردم یک کشور در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است. این مفهوم چندبعدی شامل ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و به توانایی کشور در رفع تهدیدها و تأمین آسایش و ثبات جامعه اشاره دارد؛ همچنین امنیت ملی با اهداف نظام، منافع ملی و سرمایه اجتماعی پیوند خورده است و پیوسته با تحولات محیطی و جهانی تطبیق می‌یابد.
		تحول جهانی امنیت	تعریف سنتی امنیت که بر حفظ مرزها تمرکز دارد، ناکافی است و تعریف مدرن امنیت با تأکید صرف بر نیازهای مثبت نیز کاستی‌هایی دارد. امنیت دیگر به چارچوب سرزمینی محدود نیست و به قالب شبکه‌ای جهانی ادغام شده است.

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن
		نگرش جامع به امنیت	امنیت ملی مفهومی سیال و چندبعدی است که شامل ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود و باید به صورت جامع و متوازن بررسی شود. این مفهوم نه تنها به حفظ اجزای دولت-ملت و مقابله با تهدیدها (بعد سلبی) می‌پردازد؛ بلکه با توسعه و ثبات پیوند دارد (بعد ایجابی)؛ همچنین امنیت ملی آسایش روانی، معنوی و مادی جامعه را تأمین کرده و در اسلام، ابعاد دنیوی و اخروی آن تعالی یافته است.
		امنیت پایدار	امنیت ملی پایدار مستلزم ترکیب سیاست‌های سخت و نرم، برخورداری از محیط زیست پایدار و تقویت تاب‌آوری جامعه است؛ زیرا تاب‌آوری بالا ضامن امنیت بیشتر و پایداری بلندمدت است.
		انسجام ملی و بین‌المللی	مجموعه کنش‌هایی که بتواند همزمان نظم و انسجام ملی و بیرونی را تأمین کند.
		تبار تاریخی	امنیت ملی مجموعه‌ای از کنش‌هایی است که تبار تاریخی یک ملت را حفظ کرده و استمرار ببخشد.
		تحت تأثیر سیاست خارجی	اساساً امنیت ملی در روابط بین‌المللی و سیاست جهانی معنا پیدا می‌کند.
		تضمین توسعه و بقا	امنیت ملی در وجه ایجابی شامل مجموعه‌ای از اقدامات مبتنی بر اشکال مختلف قدرت است که با تمرکز بر حفظ موجودیت، بقا و توسعه اقتصادی کشور، پیشرفت و ثبات را تضمین می‌کند.

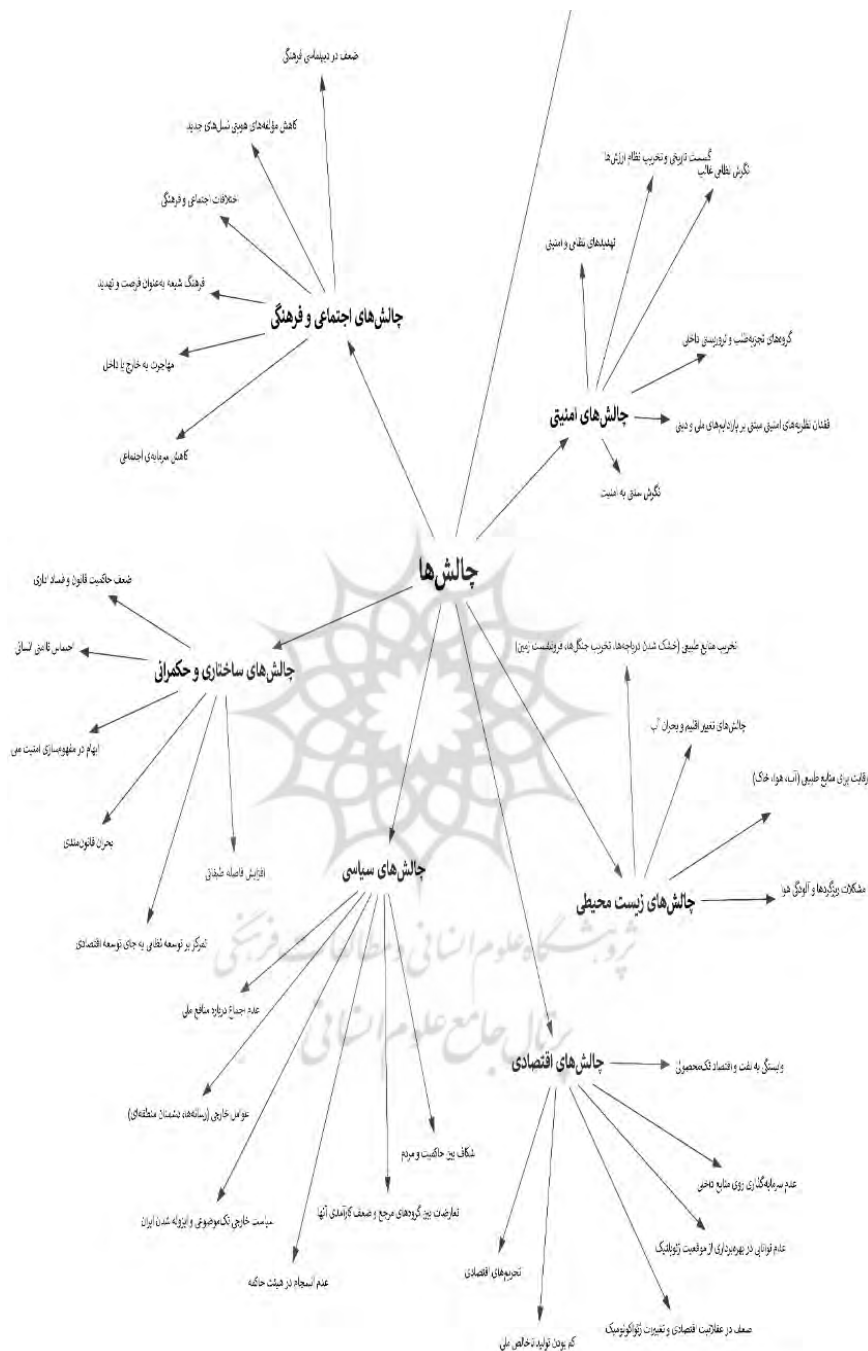
مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن
		حفظ امنیت داخلی و خارجی	امنیت ملی در بُعد سلبی به هر اقدامی برای جلوگیری از تهدیدهای داخلی و خارجی می‌پردازد که ممکن است بقا و موجودیت کشور را به خطر بیندازد و شامل حفظ امنیت داخلی و خارجی است.
		قدرت نرم و سخت	امنیت ملی به معنای حفظ بقای دولت از طریق بهره‌گیری از قدرت نرم (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) و قدرت سخت (نظامی-امنیتی) است و با توجه به تهدیدهای داخلی و خارجی تعریف می‌شود. در شرایط بهینه، تمامی عناصر امنیت ملی باید به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند؛ اما در شرایط تزاخم نیازمند اولویت‌بندی هستند.
		محبوبیت و بقای حکومت‌ها	امنیت ملی به مشروعیت حکومت و رضایت عمومی مردم وابسته است و میزان موفقیت دولت‌ها در تأمین امنیت ملی مستقیم بر محبوبیت آنها تأثیر می‌گذارد.
		منافع ملی	امنیت ملی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و منابع قدرت است که با اهداف نظام و منافع ملی گره خورده است و حفظ بقا، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، توسعه و رفاه را شامل می‌شود. این مفهوم به طور متقابل بر منافع ملی اثرگذار است و با تحولات زمانه تغییر می‌کند.
		موقعیت جغرافیایی	ایران بر سر چهارراه راهبردی جهان قرار گرفته است و هر قدرتی در طول تاریخ تسلط بر ایران را جزو اهداف اصلی خود قرار داده است.

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	متن
		نظام ارزشی	امنیت ملی پایدار برآمده از نظام ارزش‌های تاریخی - اجتماعی کشور است و مرجع آن اسلام است. جایی که مسلمانان جان خود را برای حفظ اسلام و سرزمین اسلامی فدا می‌کنند. امنیت متعالیه به عنوان دستیابی به وضعیتی برای مصونیت از تهدیدها و رسیدن به کمال تعریف می‌شود؛ همچنین امنیت ملی تحت تأثیر سرمایه اجتماعی قرار دارد که از مردم برمی‌آید و برای مردم است.

۲-۲. مضامین و گزاره‌های چالش‌های حوزه امنیت ملی از منظر نخبگان سیاسی مورد مصاحبه

با توجه به دیدگاه مصاحبه‌شوندگان درباره چالش‌های کنونی جمهوری اسلامی ایران، هشت گونه چالش اصلی استخراج شد که عبارت‌اند از: چالش‌های امنیتی، چالش‌های دارای ماهیت سیاسی، چالش‌های ساختاری و حکمرانی، چالش‌های سیاست خارجی و امنیتی، چالش‌های فناوری و فضای مجازی، چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، چالش‌های اقتصادی و چالش‌های زیست‌محیطی.

هر کدام از این مضمون‌های اصلی متشکل از تعدادی مضامین پایه هستند. تحلیل متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی از میان چالش‌های فوق بیشترین تأکید را بر چالش‌هایی با ماهیت سیاسی و چالش‌های ساختاری و حکمرانی داشته‌اند و کمترین تأکیدشان بر حوزه زیست‌محیطی می‌باشد. در میانه تأکیدات نیز مسائل اقتصادی جای داشت؛ برای مثال ابهام در مفهوم‌سازی امنیت ملی، مهاجرت نخبگان و فرار استعدادها، شکاف میان حاکمیت و مردم در نگاه مصاحبه‌شوندگان از اهمیت بیشتری برخوردار بود و تأکید بر بحران آب و آلودگی هوا کمتر از دیگر چالش‌ها مورد تأکید و تکرار واقع گردید. در این میان تأکیدهای قابل توجهی نیز بر بحران‌های اقتصادی و تورم وجود داشت که برخی خاستگاه آن را داخلی و برخی خارجی می‌پنداشتند.



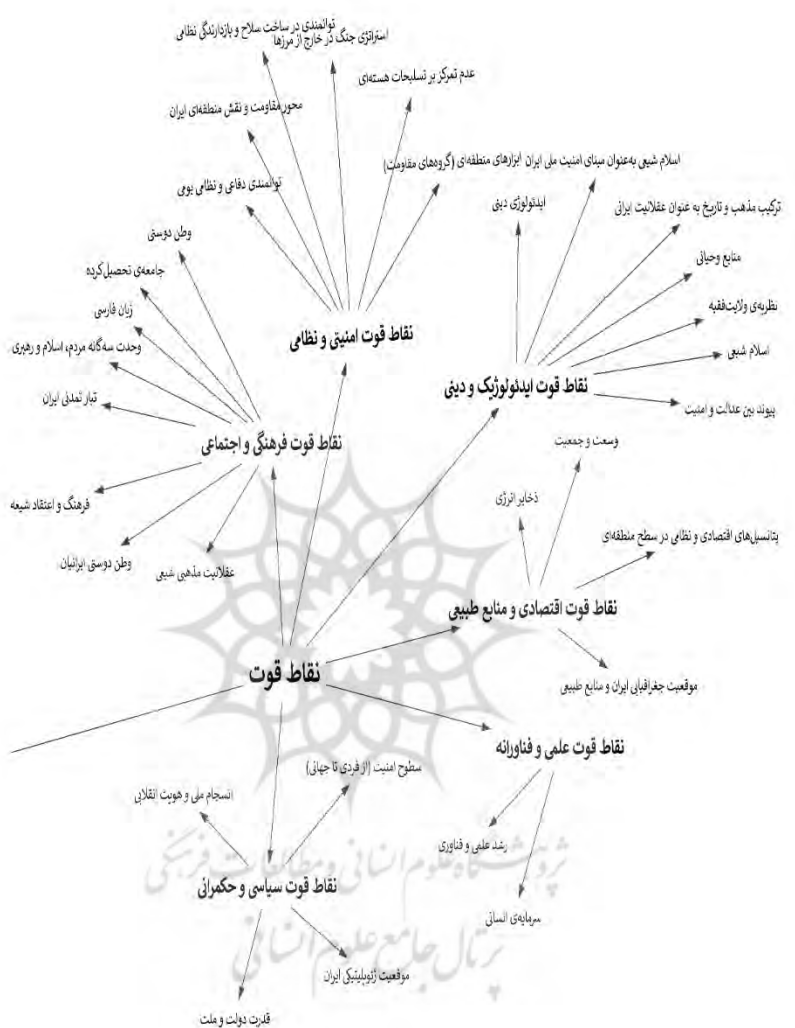
نمودار ۱: مضامین اصلی و مضامین پایه چالش‌های امنیت ملی

۳-۲. گزاره‌ها و مضامین نقاط قوت و راهکارهای امنیت‌ساز از منظر نخبگان سیاسی

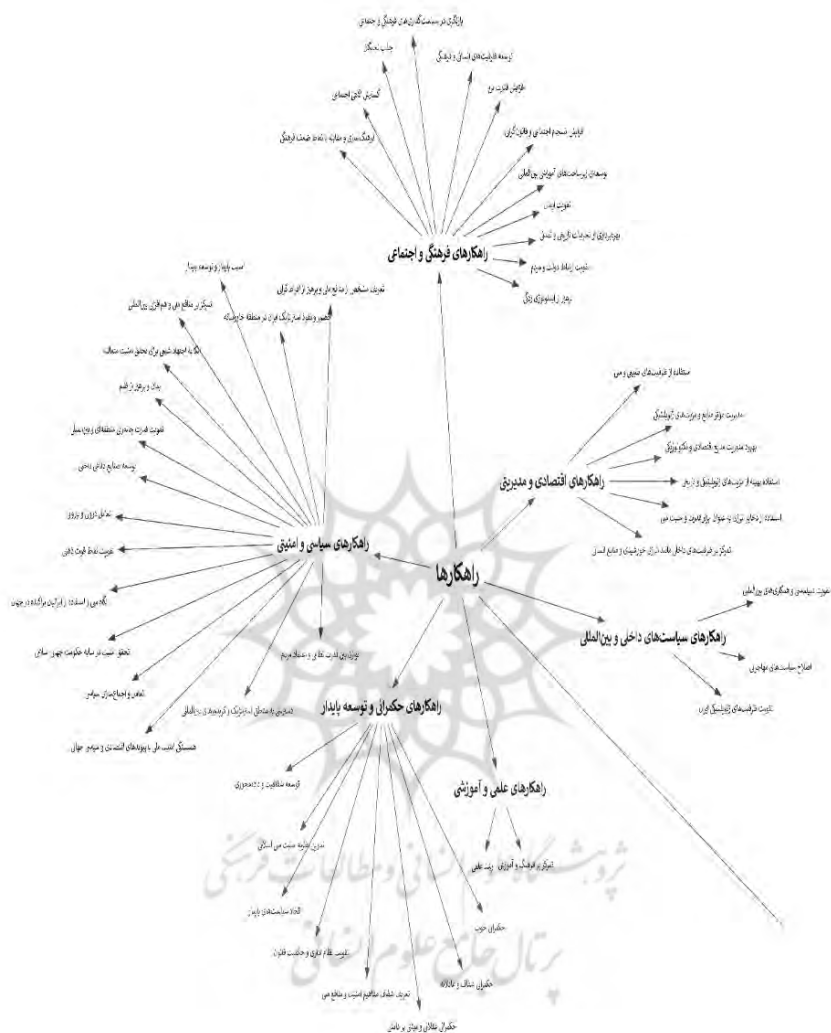
مورد مصاحبه

تحلیل محتوای استخراج یافته از پرسش سوم مصاحبه در دوازده مضمون کدگذاری و تحلیل شد. این مضمون‌ها عبارت‌اند از: نقاط قوت فرهنگی و اجتماعی، نقاط قوت اقتصادی و منابع طبیعی، نقاط قوت امنیتی و نظامی، نقاط قوت عقیدتی و دینی، نقاط قوت سیاسی و حکمرانی، نقاط قوت علمی و فناوری و همچنین در راهکارهای امنیت‌ساز فرهنگی و اجتماعی، راهکارهای سیاسی و امنیتی، راهکارهای اقتصادی و مدیریتی، راهکارهای علمی و آموزشی، راهکارهای سیاست‌های داخلی و بین‌المللی، راهکارهای حکمرانی و توسعه پایدار بودند.

در این بخش از مصاحبه، پرسش به صورت دو جزئی مطرح شد: نخست توضیحاتی درباره نقاط قوت امنیتی در جمهوری اسلامی به دست آمد و سپس بر راهکاری امنیت‌ساز ویژه جمهوری اسلامی ایران توجه شد؛ گفتنی است آنچه که بیشترین توجهات را در میان مصاحبه‌شوندگان به عنوان برگ برنده اصلی و بی‌همتای افزایش امنیت ملی در جمهوری اسلامی به خود اختصاص داده بود، عنصر جغرافیای سرزمینی ایران بود. جغرافیای سرزمینی نیز از دو حیث مورد توجه بود: اول، مسئله انرژی و دوم، مسئله موقعیت چهارراه ترانزیتی. در عین حال برخی از مصاحبه‌شوندگان با توجه به اتمام‌پذیر بودن منابع فسیلی و حذف شدن کشور به دلیل راه‌های ترانزیتی جدید، این دو برگ‌برنده را آرزوی غیرواقعی دانستند و بر سرمایه انسانی کم‌نظیر کشور تأکید می‌کردند؛ همچنین ظرفیت‌های نظامی و موشکی مورد تحسین و تأکید بود و بر تبار تمدنی ایران و ظرفیت قابل توجه تاریخی و فرهنگی کشور به‌ویژه ظرفیت خاص فرهنگ شیعی در داخل و خارج از مرزها تأکید خاص می‌شد. فرهنگ شیعی از حیث عدالت‌جویی و روحیه مقاومت در درون جامعه و از حیث ستیزه‌گری نبودن شیعیان در جوامع غیراسلامی که دارای مقبولیت و مشروعیت ممتازی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی است، به‌ویژه مورد تأکید تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بود. درباره راهکارهای امنیت‌ساز نیز بیشترین تأکیدها بر محور عقلانیت در حکمرانی، توجه به توسعه پایدار و مدارا با درون جامعه و کشورهای خارجی است.



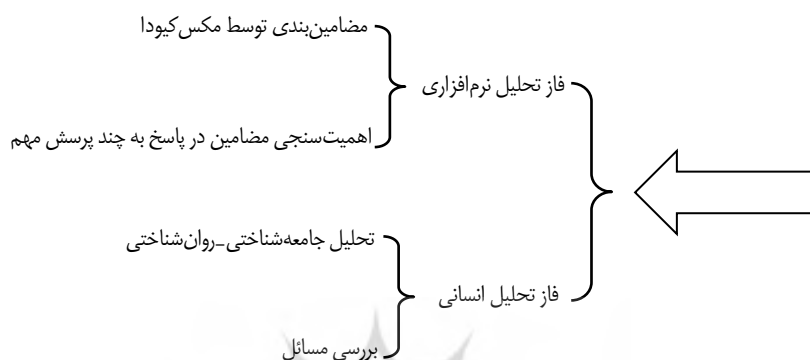
نمودار ۲: مضامین اصلی و مضامین پایه نقاط قوت امنیت ملی



نمودار ۳: راهکارهای امنیت‌ساز از منظر نخبگان سیاسی

۳. الگوی تحلیل نهایی در فاز نرم‌افزاری و انسانی

با توجه به نتایج مصاحبه‌ها و پرسش‌های ثانویه، گام طی شده در یافته‌های پژوهش را می‌توان بر اساس نمودار زیر تبیین کرد:



۳-۱. تحلیل نهایی فاز نرم‌افزاری

از نتایج پاسخ‌دهی به پرسش‌ها بر می‌آید که از منظر مصاحبه‌شوندگان، چالش‌های امنیت ملی نسبت به نقاط قوت امنیت ملی از وزن سنگین‌تری برخوردار است. بیشترین وزن‌دهی از میان پاسخ‌ها، به چالش‌های عینی و ذهنی با مضمون‌هایی همچون (فقدان نظریه‌های امنیتی مبتنی بر پارادایم‌های ملی و دینی، گسست تاریخی و تخریب نظام ارزش‌ها، تهدیدهای نظامی و امنیتی، گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریستی داخلی، نگرش سنتی به امنیت، نگرش نظامی غالب، عدم توازن در نقش عناصر امنیت ملی، تهدیدهای ناشی از باورها، گرایش‌ها، رفتارها) مربوط است که این مسئله اهمیت آنها را برای متخصصان و نخبگان سیاسی جامعه با هدف تمرکز بیشتر بر این حوزه نشان می‌دهد.

بیشترین وزن‌دهی به مضمون‌های مربوط به نقطه قوت، به مضامین (وسعت و جمعیت قابل قبول کشور، موقعیت جغرافیایی (ترانزیتی) ایران و منابع طبیعی-معدنی، توان‌های اقتصادی و نظامی در سطح منطقه‌ای، ذخایر انرژی) اختصاص یافته است که

نشان می‌دهد نخبگان سیاسی مورد مصاحبه بیش از هر مؤلفه‌ای بر توان‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کشور توجه دارند.

بیشترین وزن‌دهی به مضامین راهکارهای امنیت‌ساز نیز به مضامین سیاسی اختصاص دارد؛ مانند تمرکز بر منافع ملی و هم‌افزایی بین‌المللی، تقویت قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و بین‌المللی، دسترسی به مناطق راهبردی و کریدورهای بین‌المللی، تعامل درونی و بیرونی، تعامل و اجماع‌سازی سیاسی، نگاه ملی و استفاده از ایرانیان پراکنده در جهان، حضور و نفوذ راهبردی ایران در منطقه خاورمیانه، امنیت پایدار و توسعه پایدار، توسعه صنایع دفاعی داخلی، تقویت نقاط قوت ذهنی، اتکا به اجتهاد شیعی برای تحقق امنیت متعالیه، تحقق امنیت در پرتو حکومت جهانی اسلامی، ایمان و پرهیز از ظلم، همبستگی امنیت ملی با پیوندهای اقتصادی و سیاسی جهانی، تعریف مشخص از منافع ملی و پرهیز از افراط‌گرایی، توازن بین قدرت نظامی و اعتماد مردم.

مطالب پیش‌گفته بیانگر این مسئله است که اساساً جامعه نخبگان سیاسی مورد مصاحبه مقوله چالش‌های امنیت ملی را بیشتر از سنخ چالش‌های سیاسی فهم می‌کنند و دستورعمل برون‌رفت از این چالش‌ها را نیز در پیچیدن نسخه‌هایی با راهکارهای بیشتر سیاسی می‌بینند. البته این بدان معنا نیست که دیگر مضمون‌های امنیت‌ساز کم‌ارزش و بی‌فایده تلقی شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد در انگاره‌های ذهنی نخبگان سیاسی، تقدّم مسائل سیاسی بر مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی وجود دارد.

در نحوه پاسخ‌دهی به پرسش‌های تکمیلی نیز سه مسئله روشن می‌شود: نخست آنکه نخبگان سیاسی به صراحت وضعیت کشور در حوزه امنیت ملی را بسیار چالش‌برانگیز می‌دانند؛ دوم اینکه تقریباً بر این گزاره که هم درک دقیقی از امنیت ملی در کشور وجود ندارد و هم اجماعی بر سر چستی امنیت ملی ایران در میان نخبگان سیاسی ایرانی وجود ندارد، مهر تأیید می‌زنند؛ سوم اینکه دو سوم آنها معتقدند که سطح شناخت مدیران اجرایی از مقولات امنیتی بیشتر از نخبگان سیاسی دانشگاهی است که این خود اگرچه شاید امری طبیعی به نظر برسد، این مسئله را تأیید می‌کند که اساساً مقولات امنیتی در سطوح دانشگاهی جایگاه ممتازی ندارد.

۲-۳. درجه‌بندی مرتبط با نتایج فاز تحلیل نرم‌افزاری (بازتوزیع پرسشنامه‌ها)

باتوجه به نتایج اولیه و استخراج مضمون‌ها در سه حوزه چالش‌ها، نقاط قوت و راهکارهای امنیت‌ساز، مصاحبه‌شوندگان اولویت‌های خود را در پرسش‌های ثانویه به صورت زیر درجه‌بندی کردند:

اول: چالش‌ها

درجه اهمیت از ۱۰	مضامین اصلی و پایه چالش‌های امنیت ملی	شماره چالش به ترتیب اولویت
۸/۶۳	چالش‌های فراگیر امنیتی ذهنی و عینی: نبود نظریه‌های امنیتی مبتنی بر پارادایم‌های ملی و دینی، گسست تاریخی و تخریب نظام ارزش‌ها، تهدیدهای نظامی و امنیتی، گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی داخلی، نگرش سنتی به امنیت، نگرش نظامی غالب، نبود توازن در نقش عناصر امنیت ملی، تهدیدهای ناشی از باورها، گرایش‌ها و رفتارها.	۱
۸/۳۶	چالش‌های زیست محیطی: تخریب منابع طبیعی خشک شدن دریاچه‌ها، تخریب جنگل‌ها، فرونشست زمین، چالش‌های تغییر اقلیم و بحران آب، مشکلات ریزگردها و آلودگی هوا، رقابت برای منابع طبیعی (آب، هوا، خاک).	۲
۷/۹۰	چالش‌های سیاست خارجی و امنیت بین‌الملل: سیاست خارجی تنش‌زا، تهدیدهای سایبری و جنگ اطلاعاتی، بی‌توجهی به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، تضاد ساختاری با قدرت‌های جهانی، تهدیدهای مدرن (سایبری، زیست محیطی و فرهنگی).	۳

درجه اهمیت از ۱۰	مضامین اصلی و پایه چالش‌های امنیت ملی	شماره چالش به ترتیب اولویت
۷/۸۱	چالش‌های ساختاری و حکمرانی داخلی: ابهام در مفهوم‌سازی امنیت ملی، احساس ناامنی انسانی، افزایش فاصله طبقاتی، بحران قانون‌مندی، تمرکز بیش از حد بر توسعه نظامی به جای توسعه اقتصادی، ضعف حاکمیت قانون و فساد اداری، ضعف در ارتباط میان دولت و مردم، ضعف در آموزش بین‌المللی، نبود اجماع در مورد نحوه حکومت‌داری، عدم شفافیت و عدالت در تصمیم‌گیری‌ها، فاصله ایجادشده میان حاکمیت و مردم، فرسایش نهادهای قانونی، کاهش مشروعیت حکومت و رضایت عمومی، مهاجرت نخبگان و فرار استعدادها، نگاه و حکمرانی مبتنی بر عقیده.	۴
۷/۶۳	چالش‌های اقتصادی: ضعف در عقلانیت اقتصادی و تغییرات ژئواکونومیک، تحریم‌های اقتصادی، وابستگی به نفت و اقتصاد تک‌محصولی، نبود سرمایه‌گذاری بر منابع داخلی، ناتوانی در بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیک، کم‌بودن تولید ناخالص ملی.	۵
۷/۵۴	چالش‌های محض سیاسی: تعارضات میان گروه‌های مرجع و ضعف کارآمدی آنها، سیاست خارجی تک‌موضوعی و منزوی‌شدن ایران، شکاف میان حاکمیت و مردم، نبود اجماع درباره منافع ملی، نبود انسجام در هیئت حاکمه، عوامل تضعیف‌کننده خارجی (رسانه‌ها، دشمنان منطقه‌ای)، تفکرات و رویکردهای افراطی در سیاست داخلی و خارجی، نبود توازن میان منافع ملی و تعهدهای خارجی، رهاشدگی سیاست خارجی در هم‌پیوندی با جهان، افزایش تهدیدهای خارجی به دلیل بی‌توجهی به هویت ملی.	۶

شماره چالش به ترتیب اولویت	مضامین اصلی و پایه چالش‌های امنیت ملی	درجه اهمیت از ۱۰
۷	چالش‌های اجتماعی و فرهنگی: مهاجرت به خارج یا مهاجرات اتباع به داخل، ضعف در دیپلماسی فرهنگی، فرهنگ شیعه به عنوان عنصر توأمان فرصت و تهدید، کاهش سرمایه اجتماعی حکومت، اختلافات اجتماعی و فرهنگی، کاهش مؤلفه‌های هویتی نسل‌های جدید، تغییر سبک زندگی و تهدیدهای فرهنگی، بی‌اعتنایی مردم به امنیت و سرنوشت خود، مدیریت انتظارات اجتماعی، نخبه‌کشی.	۶/۸۱
۸	چالش‌های حوزه فناوری و مخاطرات فضای مجازی: رهاشدگی فضای مجازی و تهدیدهای اجتماعی و امنیتی حاصل از آن.	۵/۷۲

دوم: راهکارها

شماره به ترتیب اولویت	مضامین اصلی و پایه راهکارهای امنیت‌ساز	درجه اهمیت از ۱۰
۱	راهکارهای امنیت‌ساز سیاسی-امنیتی: تمرکز بر منافع ملی و هم‌افزایی بین‌المللی، تقویت قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و بین‌المللی، دسترسی به مناطق راهبردی و کریدورهای بین‌المللی، تعامل درونی و بیرونی، تعامل و اجماع‌سازی سیاسی، نگاه ملی و استفاده از ایرانیان پراکنده در جهان، حضور و نفوذ راهبردی ایران در منطقه خاورمیانه، امنیت پایدار و توسعه پایدار، توسعه صنایع دفاعی داخلی، تقویت نقاط قوت ذهنی، اتکا به اجتهاد شیعی برای تحقق امنیت متعالیه، تحقق امنیت در سایه حکومت جهانی اسلامی، ایمان و پرهیز از ظلم، هم‌بستگی امنیت ملی با پیوندهای اقتصادی و سیاسی جهانی، تعریف مشخص از منافع ملی و پرهیز از افراط‌گرایی، توازن میان قدرت نظامی و اعتماد مردم.	۷/۹۰

شماره به ترتیب اولویت	مضامین اصلی و پایه راهکارهای امنیت‌ساز	درجه اهمیت از ۱۰
۲	راهکارهای امنیت‌ساز در حوزه حکمرانی و توسعه پایدار: تدوین نظریه امنیت ملی اسلامی، تقویت نظام اداری و حاکمیت قانون، توسعه شفافیت و داده‌محوری، تعریف شفاف مفاهیم امنیت و منافع ملی، حکمرانی عقلانی و مبتنی بر دانش، حکمرانی شفاف و عادلانه، اتخاذ سیاست‌های پایدار، حکمرانی خوب.	۷/۵۴
۳	راهکارهای امنیت‌ساز اقتصادی و مدیریتی: تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی مانند انرژی خورشیدی و منابع انسانی، استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و ملی، استفاده از ذخایر انرژی به عنوان ابزار قدرت و امنیت ملی، مدیریت مؤثر منابع و مزیت‌های ژئوپلیتیک، استفاده بهینه از مزیت‌های ژئوپلیتیک و تاریخی، بهبود مدیریت منابع اقتصادی و تکنولوژیک.	۷/۰۰
۴	راهکارهای امنیت‌ساز سیاست داخلی و بین‌المللی: اصلاح سیاست‌های مهاجرتی، تقویت ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران، تقویت دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی.	۶/۱۸
۵	راهکارهای امنیت‌ساز فرهنگی و اجتماعی: (تقویت ایمان فردی، توسعه زیرساخت‌های آموزشی بین‌المللی، جذب نخبگان، افزایش انسجام اجتماعی و قانون‌گرایی، تقویت ارتباط دولت و مردم، افزایش قدرت نرم، توسعه ظرفیت‌های انسانی و فرهنگی، بازنگری در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی، گسترش آگاهی‌های اجتماعی، پرهیز از ایدئولوژی‌زدگی، فرهنگ‌سازی و مقابله با نقاط ضعف فرهنگی، بهره‌برداری از تجربیات تاریخی و تمدنی.	۶/۰۹
۶	راهکارهای امنیت‌ساز علمی و آموزشی: افزایش رشد علمی و تمرکز بر فرهنگ و آموزش و پرورش.	۵/۴۵

از جداول بالا بر می آید در مقوله چالش های امنیت ملی، اولویت ذهنی نخبگان سیاسی، چالش های فراگیر عینی - ذهنی و همچنین چالش زیست محیطی کشور می باشد؛ همچنین در بخش نقاط قوت امنیت ملی بیشترین تأکید بر نقاط قوت اقتصادی و منابع طبیعی جغرافیای ایران و نیز نقاط قوت فرهنگی و اجتماعی ایران متمرکز بود و در بخش راهکارهای امنیت ساز نیز بیشترین تأکید بر راهکارهای امنیت ساز سیاسی - امنیتی و راهکارهای امنیت ساز در حوزه حکمرانی و توسعه پایدار بود. این نشان می دهد از منظر نخبگان سیاسی مورد مصاحبه، حل مشکلات امنیتی کشور بیشتر دارای جنبه های سیاسی است تا جنبه های دیگر.

۳-۳. نتایج تحلیل در فاز تحلیل انسانی (غیر نرم افزاری)

۳-۳-۱. فاز تحلیل انسانی

در اینجا به سیزده پرسش با بهره گیری از نظریه سازه انگاری و مکتب کپنهاگ درباره تحقیق پاسخ داده می شود:

۱. نخبگان سیاسی مورد مصاحبه امنیت ملی را ذهنی می بینند یا عینی یا تلفیقی از هر دو؟
از تجربه گفتگوی محقق با مصاحبه شوندگان و همچنین از متن مصاحبه ها بر می آید که وزن امور عینی در مصاحبه ها بیش از وزن امور ذهنی است؛ هرچند به صورت میانگین، وزن نگرش ذهنی نخبگان سیاسی متناسب به جناح اصولگرا بیش از نخبگان سیاسی متناسب به جناح اصلاح طلب بود، در مجموع در بیشتر مصاحبه شوندگان وزن امور عینی بیان شده سنگین تر بود.

۲. نگاه نخبگان سیاسی مورد مصاحبه تا چه میزان با نظریه ها و رویکردهای مطرح در حوزه امنیت ملی (رویکرد رئالیستی، رویکرد لیبرالیستی، کپنهاگی، فمینیستی و سازه انگارانه) سازگار است؟

الف) به جرئت می توان گفت هیچ کدام از مصاحبه شوندگان از زاویه مکتب های لیبرالیستی، فراساختارگرایانه، فمینیستی و جهان سومی به مقوله امنیت در جمهوری

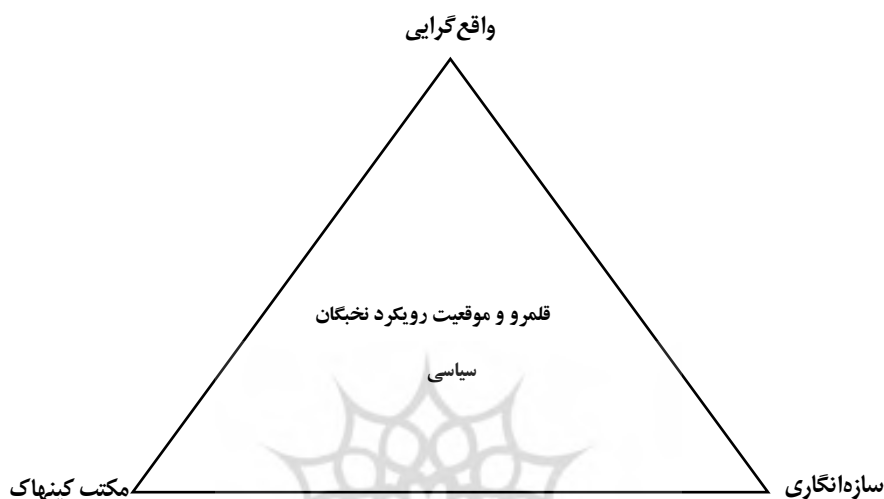
اسلامی نگاه نمی‌کردند، ولی اگر بخواهیم به صورت مطلق بگوییم که این نخبگان سیاسی دارای چه نوع رویکردی نسبت به مقوله امنیت بودند، امری دشوار می‌نماید؛ زیرا اگرچه مجموع اشارات برخی از آنان به نحوی بود که می‌توان ادعا کرد رویکردشان به فلان مکتب نزدیک‌تر است؛ اما نمی‌توان به صورت مطلق آنان را به یک مکتب امنیتی خاص متعلق دانست.

ب) به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد که تقریباً اکثریت مصاحبه‌شوندگان ابعاد امنیت را موسّع می‌پنداشتند که این خود خصیصه بارز مکتب امنیتی کپنهاگ است؛ اما این بدان معنا نیست که آنان به‌طور مطلق امنیت را کپنهاگی می‌پنداشتند. از طرفی برخی مکتب‌های فکری اندیشمندانی دارند که باورهای فکری‌شان به صورت ترکیبی از دو یا چند نظریه است. نخبگان سیاسی جامعه ایران را نیز نباید از این امر مستثنا دانست؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که در ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مسلط در میان نخبگان سیاسی مورد مصاحبه، ترکیبی از مکتب‌های رئالیستی، سازه‌نگارانه و کپنهاگی حاکم است.

ج) هرچند در این میان برخی از نخبگان سیاسی، خود را سازه‌نگار یا کپنهاگی معرفی می‌کردند، در حین مصاحبه بر نکاتی تأکید می‌کردند که نشان می‌داد در مسائلی همچون «حالت آنارشی نظام بین‌الملل» و تأکیدشان بر مسئله «بقا» و «خودیاری» و همچنین از این حیث که مرجع امنیت را به‌طور مطلق در اختیار «دولت» می‌دیدند، دارای نگرش رئالیستی بودند. از سویی دیگر نگرش موسّع به ابعاد امنیت آنان را به کپهانگ نزدیک می‌نمود و از سوی دیگر اینکه اغلب مصاحبه‌شوندگان دارای زاویه نگاه تلفیقی عینی-ذهنی بودند، می‌توان آنان را دارای رویکردهای سازه‌نگارانه نیز دانست.

د) نتیجه اینکه اغلب مصاحبه‌شوندگان از یک زاویه رویکرد ترکیبی که درون مثلث (واقع‌گرایی، سازه‌نگاری و مکتب کپنهاگ) قرار دارد، برخوردار بودند؛ حال ممکن است نوع جایگاه ایشان در درون این مثلث به گونه‌ای باشد که به‌دقت در میانه مثلث قرار نگیرند و به برخی از زوایای این مثلث متمایل تر باشند؛ اما به‌قطع می‌توان ادعا کرد

که رویکردهای فمینیستی، لیبرالیستی، انتقادی، پست مدرنیستی و جهان‌سومی در رویکرد آنان جایگاهی نداشت.



۳. نخبگان سیاسی مورد مصاحبه تا چه میزان به صورت تاریخ‌گرایانه به امنیت نگاه می‌کنند؟ اگر بخواهیم این‌گونه تفسیر کنیم که نگاه تاریخ‌گرایانه نسبت به امنیت با ماهوی دیدن عناصر تاریخی یک کشور در تأمین امنیت آن کشور برابر است، باید اذعان کنیم که از میان مصاحبه‌شوندگان هیچ‌کس نسبت به ماهوی بودن مؤلفه‌های تاریخی در امنیت‌سازی اشاره‌ای نداشت؛ اما اگر نگرش تاریخ‌گرایانه به امنیت را با ارزشمندی مؤلفه‌های هویت تاریخی در تولید یا ساخت برابر در نظر بگیریم، باید بگوییم که مصاحبه‌شوندگان به ارزشمندی مؤلفه‌های تاریخ‌دیرینه ایرانی در امنیت‌سازی تأکید داشتند. از طرفی به‌رغم اینکه در طول تاریخ، ایران بارها به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی اش مورد تهاجم و تجاوز همسایگان و قدرت‌های جهانی قرار گرفته است، اما هیچ‌کدام از نخبگان سیاسی این مسئله را که ایران به صورت تاریخی شکست‌های متعددی را تجربه کرده است، به عنوان نقطه ضعف امنیتی برای ایران معرفی نکردند.

۴. مصاحبه‌شوندگان تا چه میزان به مقوله امنیت به صورت جامعه‌محور یا دولت‌محور نگاه می‌کنند؟

اگر منظور از جامعه‌محور یا دولت‌محور را در مرجعیت امنیت تفسیر کنیم، باید گفت هیچ کدام از نخبگان سیاسی مورد مصاحبه برای جامعه مرجعیت امنیتی قایل نبودند و اصولاً مرجع امنیت را یا دولت می‌پنداشتند و یا در این مورد اشاره‌ای نداشتند؛ اما اگر منظور از جامعه‌محور یا دولت‌محور را در اعطای اصالت یا ارزش ذاتی به یکی از این دو مؤلفه در مقوله تأمین امنیت بدانیم، می‌توان گفت که تقریباً در هیچ مصاحبه‌ای بدین مسئله تأکید مستقیم یا غیرمستقیم نشده است که در مقوله امنیت، اجتماع نسبت به نظام بین‌الملل یا دولت دارای اصالت است؛ اما اگر جامعه‌محور بودن را در اعطای امتیاز ویژه به جامعه در تأمین امنیت بدانیم، می‌توان گفت که صاحب‌شوندگان بر کلیدواژه‌های زیر بسیار تأکید کرده‌اند: سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، توجه به نخبگان جامعه، فاصله حاکمیت و مردم، افزایش انسجام ملی، جمعیت‌مند بودن ایران، مدیریت انتظارات اجتماعی، ناامنی انسانی، عدالت اجتماعی، نگاه اجتماعی. این خود بیانگر وزن سنگین نگاه به «عنصر جامعه» به عنوان عنصری تعیین‌کننده در مقوله امنیت‌سازی از نگاه نخبگان سیاسی است.

۵. مصاحبه‌شوندگان تا چه میزان به قضایا واقع‌گرایانه می‌نگرند و تا چه میزان آرمان‌گرایانه؟ به‌طور کلی می‌توان گفت بیشتر نگاه‌ها به مقوله امنیت ملی ترکیبی از نگاه واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه بود؛ اما جالب اینکه وزن نگاه‌های واقع‌گرایانه نسبت به وزن نگاه‌های آرمان‌گرایانه سنگین‌تر بود؛ از طرفی برخی از مصاحبه‌شوندگان اساساً علت‌العلل ضعف‌های امنیتی را در نگاه آرمان‌گرایانه به مقوله امنیت می‌پنداشتند.

۶. نخبگان سیاسی مورد مصاحبه تا چه میزان به مسائل مرتبط با امنیت ملی به صورت بلندمدت / میان‌مدت / کوتاه‌مدت می‌نگرند؟

مصاحبه‌شوندگان اشاره مستقیمی به این مسئله زمانی نداشتند؛ هرچند راهکارهای امنیت‌ساز مطرح شده توسط آنان بیشتر دارای بازدهی میان‌مدت و بلندمدت بودند،

به ظاهر این عدم اشاره و تفکیک راهبردهای کوتاه مدت، میان مدت یا بلندمدت توسط مصاحبه‌شوندگان اساساً ناشی از شرایط چالش‌های امنیتی در وضعیت کنونی کشور باشد که به طبع مقوله اندیشه‌ورزی برای میان مدت و بلندمدت را در حاشیه قرار داده است.

۷. اولویت‌ها در ذهن نخبگان سیاسی مورد مصاحبه در باره مفهوم امنیت، چالش‌ها و راهکارها چه بود؟

می‌توان به این پرسش در سه محور پاسخ داد:

محور اول، اولویت در چالش‌های امنیت ملی: به نظر می‌رسد سه اولویت مهم که در ذهن مصاحبه‌شوندگان نقش بسته بود، شامل نبود نظریه منسجم و کارآمد برای امنیت ملی ایران، درک نشدن منافع ملی کشور و شکاف ایجادشده میان مردم و حاکمیت باشد.

محور دوم، اولویت در نقاط قوت امنیت ملی: به نظر می‌رسد سه اولویت مهم در نقاط قوت مطرح شده در مصاحبه‌ها، مقوله‌هایی مانند سرمایه انسانی بی‌بدیل، جغرافیای بی‌نظیر و منابع بیکران انرژی باشد.

محور سوم، اولویت در راهکارهای امنیت‌ساز است: به نظر می‌رسد سه اولویت مهم در راهکارهای امنیت‌ساز از منظر نخبگان سیاسی شامل مسائلی چون تمرکز بر سرمایه انسانی، تمرکز بر اصلاحات سیاسی - اقتصادی به جای تمرکز یگانه‌محور بر مسائل نظامی و تمرکز بر ظرفیت‌ها و مزیت‌های جغرافیایی ایران است.

۸. نقطه اشتراک یا نقطه ثقل مصاحبه‌ها چه بود؟

به نظر می‌رسد مصاحبه‌شوندگان در چند نقطه اشتراک نظر داشتند که نخستین مورد نارضایتی از وضع موجود در حوزه امنیت ملی بود؛ تقریباً هیچ کدام از مصاحبه‌شوندگان کشور ما را بدون چالش امنیتی نمی‌دانست و هیچ کدام نیز سخنی از حفظ وضع موجود به میان نیاوردند. دوم اینکه بیشتر مصاحبه‌شوندگان به رغم شدت و حدت‌های متفاوت، نیم‌نگاهی به روابط بین‌الملل داشتند که این خود نشان می‌دهد اساساً نگرش

درون‌محوری یا خودکفایی مطلق در رویکرد امنیتی آنان جایگاهی ندارد؛ سومین نقطه اشتراک آنان در این مسئله بود که هیچ‌کدام اعتقادی به تحصیل امنیت از طریق زور غیرمشروع چه در حوزه امنیت داخلی و چه در حوزه امنیت خارجی نداشتند. این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده بودن چارچوب اخلاقی در عرصه سیاست ایران و همچنین ماکیاویستی‌نبودن درک سیاسی مصاحبه‌شوندگان در ایران باشد؛ به عبارتی دیگر به نظر می‌رسد اساساً نخبگان سیاسی در ایران به‌ندرت چارچوب‌های اخلاقی را کنار می‌گذارند و بدون هیچ‌گونه خط قرمز به حفظ و ارتقای قدرت می‌اندیشند. هرچند جناح‌های سیاسی در عرصه مبارزات یکدیگر را متهم به بی‌اخلاقی می‌کنند، به‌ظاهر همان افراد متهم به بی‌اخلاقی نیز از منظر خودشان خلاف اخلاق عمل نمی‌کنند.

۹. نقطه افتراق یا واگرایی مصاحبه‌ها چه بود؟

به نظر می‌رسد نقطه افتراق مصاحبه‌ها این بود که هیچ‌کدام از مصاحبه‌شوندگان تعریف یکسانی از مفهوم امنیت ملی در ذهن نداشتند و برخی نخبگان اساساً تعریف مشخص و دقیقی از مفهوم امنیت ملی در ذهن‌شان نبود.

۱۰. بزرگ‌ترین نقاط چالش برانگیز حوزه امنیت ملی از نظر مصاحبه‌شوندگان چه بود؟

نبود اجماع بر سر چستی و اولویت‌بندی منافع ملی، چیره‌شدن نگرش نظامی در تمام ابعاد حیات سیاسی و اقتصادی، نبود توازن میان عناصر شکل‌دهنده امنیت، ضعف سرمایه اجتماعی حکومت، مشکلات و موانع حاصل از مسئله سیاست خارجی، کاهش مشارکت سیاسی، مشکل نارضایتی عمومی در درون کشور، توجه به توسعه نظامی به جای توجه به توسعه در دیگر حوزه‌ها، کم‌توجهی به ویژگی‌های خاص و ممتاز ایران را می‌توان مهم‌ترین چالش‌های مطرح‌شده توسط نخبگان سیاسی نامید.^۱

۱۱. بزرگ‌ترین نقاط قوت امنیت ملی از نظر مصاحبه‌شوندگان چه بود؟

منابع انسانی بسیار، تمدن، فرهنگ و هم‌بستگی اجتماعی مردم، تاریخ و تمدن ممتاز،

۱. نقاط چالش برانگیز مطرح‌شده بیش از هر چیز ذیل مشکلات سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند.

زنده بودن ایدئولوژی به مثابه قدرت تأمین بسیج عمومی در ایران، وطن دوستی ایرانیان، جغرافیای ممتاز، نیروی انسانی تحصیل کرده و با کیفیت، فرهنگ شیعی کشور، توانمندی دفاعی و نظامی بومی، محور مقاومت، فناوری موشکی و پهپادی کشور، علاقه وافر مردم به ملت ایران از مهم ترین نقاط قوت مطرح شده در مصاحبه ها هستند.

۱۲. مصاحبه شوندگان تا چه میزان امنیت را ملت محور و تا چه میزان امت محور می دیدند؟ تقریباً در هیچ کدام از مصاحبه ها صحبتی از کلیدواژه «امت» نشد؛ اما مصاحبه شوندگان تأکید ویژه ای بر لحاظ شدن آموزه های اسلامی در امنیت سازی داشتند و همچنین جبهه مقاومت را از نقاط قوت امنیت جمهوری اسلامی می پنداشتند؛ از این رو به ظاهر توجه به تأمین امنیت امت اسلامی در میان مصاحبه شوندگان کمرنگ نباشد؛ اما در اینکه اصالت را به امنیت امت خواهند داد یا به امنیت دولت، باید خاستگاه پژوهش های بعدی قرار گیرد؛ اما با توجه به مطالب مطرح در مصاحبه ها به نظر می رسد اکثریت مصاحبه شوندگان معتقد باشند کمک به تأمین امنیت امت از رهگذر داشتن امنیت یک ملت بهتر حاصل می شود.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی نگرش نخبگان سیاسی کشور درباره ماهیت و تعریف امنیت ملی، چالش ها و نقاط قوت امنیت ملی در ایران انجام گردید. از آنجا که نقش نخبگان سیاسی و کارکردهای ویژه آنان در هر جامعه و هر نوع ساختاری از حکمرانی انکارناپذیر است، بررسی ذهنیت آنان درباره هر موضوع مهمی که در آن جامعه نمود دارد، دارای اهمیت است؛ بر این اساس در این پژوهش با روش مصاحبه نیم ساخت یافته عمیق، مطالعه امنیت ملی در سه گونه اجرایی، دانشگاهی و حوزوی انجام شد. در تحلیل نرم افزاری از مکس کیودا ۲۰۲۴، استفاده شد و در تحلیل انسانی با پرسش های ثانویه و بهره گیری از ادبیات نظری سازه انگاری و مکتب کپنهاگ مطالعه صورت گرفت و تحلیل نهایی از مضامین و گزاره های معطوف به مفهوم امنیت،

نقاط قوت، چالش‌ها و راهکار انجام شد و نتایج زیر حاصل گردید:

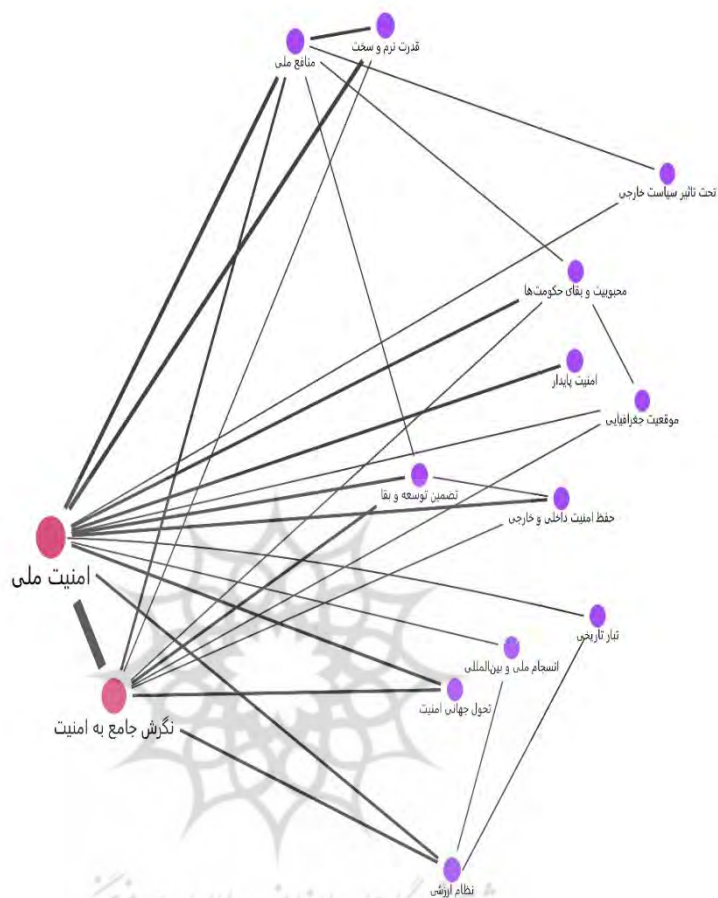
الف) مهم‌ترین تعریفی که مصاحبه‌شوندگان از امنیت ملی ارائه دادند، چنین است: به توانایی رفع تهدیدها، تأمین آسایش و ثبات جامعه امنیت ملی گفته می‌شود. امنیت ملی چندبعدی است و با اهداف نظام، منافع ملی و سرمایه اجتماعی پیوند خورده و پیوسته از تحولات محیطی و جهانی تأثیر می‌پذیرد. از طرفی تعریف سنتی امنیت که بر حفظ مرزها تمرکز دارد، ناکافی است و تعریف مدرن امنیت با تأکید صرف بر نیازهای مثبت نیز کاستی‌هایی دارد و امنیت ملی به آسایش روانی، معنوی و مادی جامعه معطوف است و اسلام به ابعاد دنیوی، اخروی و متعالی آن به صورت هم‌زمان توجه دارد.

ب) در این پژوهش، در مجموع ۶۰ چالش، ۳۲ نقطه قوت و در نهایت ۴۹ راهکار به منظور ساخت امنیت توسط مصاحبه‌شوندگان ارائه گردید.

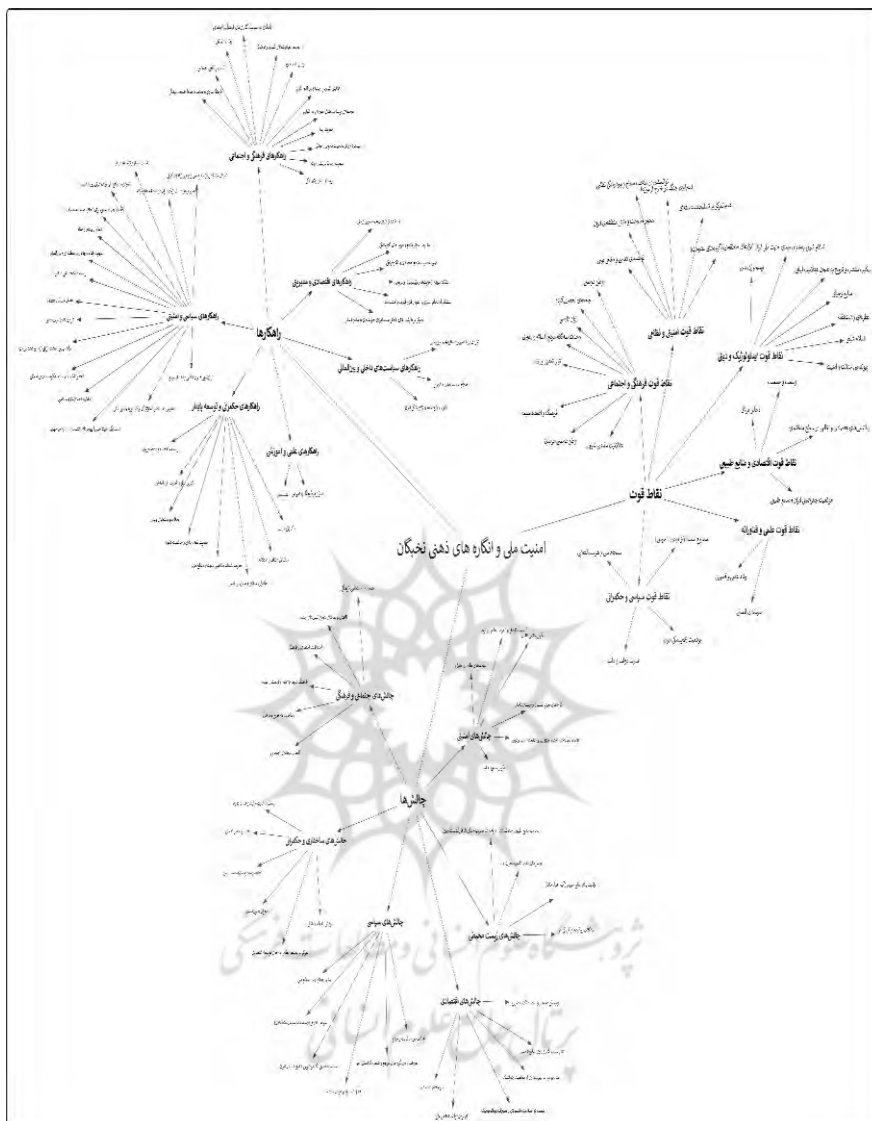
پیشنهادهای پژوهشی

الف) بررسی بایسته‌های لازم با هدف تدوین نظریه بومی در حوزه امنیت ملی
ب) بررسی علل عدم اجماع نظرنسبی مؤثر درباره چیستی امنیت ملی در ایران
ج) بررسی مفهوم خودکفایی و نقش احتمالی آن در تولید امنیت ملی
د) بررسی نقش سلبی نقاط ضعف فرهنگی در حوزه امنیت ملی
ه) ایجاد پژوهش‌های گسترده در حوزه آینده‌پژوهی و سناریونویسی امنیت
و) بررسی روش‌ها و راهکارهای امنیت‌زایی در تبار تاریخی امنیت در ادوار تاریخی حکومت‌های ایرانی

ز) بررسی تاریخی ابعاد مختلف چالش‌های امنیتی از سوی همسایگان نیرومند
ح) لزوم پژوهش‌های جدی در حوزه هوش مصنوعی و تأثیرات آن بر امنیت ملی



نمودار موضوع محور پژوهش حاضر



نمودار درختی شبکه‌مضمون‌ها، چالش‌ها، نقاط قوت و راهکارهای امنیت‌ساز در ایران

فهرست منابع

- بوزان، ب. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله‌خانی، ع. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. (چاپ پنجم). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ایران معاصر.
- صالح‌نیا، ع؛ بختیاری، ح. (۱۳۹۷). اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (ahp). مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، صص. ۲۵۵-۲۷۷.
- حسین‌زاده، م. ص؛ بهرام، ب؛ مهرداد، ن. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی (قدرت) در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بین‌رشته‌ای راهبردی، ۸(۳۱)، صص. ۱۲۱-۱۴۳.
- اسکندری صدیقی، ر؛ خانی، م؛ رحمانی، ه. (۱۳۹۹). نخبگان امنیت ملی. تهران: انتشارات پشتیبان.
- موحدی، م. ا؛ جمال، ع. (۱۳۹۲). احساس امنیت سیاسی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در میان نخبگان سیاسی کشور. مطالعات راهبردی، ۱۶(۱)، صص. ۵۳-۸۹.
- نصری، ق. (۱۳۸۱). مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی. مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۳، صص. ۳۳-۵۸.

References

- Abdollahkhani, A. (2010). *Theories of security* (5th ed.). Tehran: Institute for Contemporary Iran Studies. [In Persian]
- Boyatzis, E. R. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Retrieved from www.sagepublications.com
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77–101. Retrieved from <http://eprints.uwe.ac.uk/11735>
- Burchill, S., Linklater, A., Devetak, R., Donnelly, J., & et al. (2005). *Theories of international relations*. London: Macmillan Press.
- Buzan, B. (1999). *People, states and fear*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- Eskandari Sedighi, R., Khani, M., & Rahmani. (2020). *National security elites*. Tehran: Poshtiban. [In Persian]
- Hoseinzadeh, M. S., Bahram, B., & Mehrdad, N. (2018). Sociological analysis of the role and social function of political elites (power) in promoting the national security of the Islamic Republic of Iran. *Interdisciplinary Strategic Studies*, 8(31), pp. 121-143. [In Persian]
- Movahedi, M. A., & Jamal, A. (2013). The sense of political security and its related social factors among the country's political elites. *Strategic Studies*, 16(1), pp. 53-89. [In Persian]
- Nasri, Q. (2001). The Copenhagen School: Theoretical foundations and practical criteria. *Defense and Security Studies*, 33, pp. 33-58. [In Persian]
- Salehnia, A., & Bakhtiari, H. (2018). Prioritization of national security threats of the Islamic Republic of Iran using the analytic hierarchy process (AHP). *Strategic Studies of Public Policy*, 8(27), pp. 255-277. [In Persian]